

بازگشت به خویشتن در اندیشه امام خمینی

۱۷ فروردین ۱۴۰۱ ساعت ۱۶:۵۷

امام خمینی بنیانگذار حکومت کفرستیز دینی شد و راهی نو و آشیوهای تازه مبتنی بر پایه‌ها و مایه‌های اصیل قرآن فرا روی انسان‌های آلعصیان زده، در بهشت بورژوازی جدید نهاد و از برکت این حکومت آدینی بود که آیین آسمانی قرآنی بار دیگر به منزله راه حلی نجاتبخش به آعرصه زندگی مسلمانان بازگشت و به همه اندیشمندان، راه رسیدن به آزادی، استقلال و پیروی از احکام اسلام ناب محمدی (ص) را بازآشناساند.^۱

موضوع بازگشت به خویشتن از جمله مسائلی است که در بسیاری از کشورهای که به نوعی در زیر یوغ استعمار قرار داشتند به اشکال مختلف مطرح شده است. دوره پهلوی دوم را می‌توان از دورانی دانست که تأکید بر این مقوله بسیار پررنگ شد و در قالب گفتمان‌های متفاوت مطرح شد و افراد و گروه‌های زیادی متأثر از شرایط آن دوره بر موضوع بازگشت به خویشتن تأکید کردند. در میان این افراد، امام خمینی از جمله افرادی بود که این گفتمان را به شکلی بسیار جدی مطرح کرد و در نهایت نیز توانست آن را در قالب حکومت متجلی سازد.

بازگشت به خویشتن و علل آن

به طور کلی رویکرد بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها در برابر استعمار به سه حالت کلی بوده است. الف حالت گرایش آگاهانه برای اقتباس پاره‌ای از شیوه‌های غربی برای مقابله با قدرت غرب، که کم کم تبدیل به علاقه و دلبستگی جدی می‌گردد که این را می‌توان دوره غربگرایی نامید. ب- به مرحله تسلیم به غرب و تقلید چشم و گوش بسته با دوره غربزدگی ج - دوره غرب ستیزی و طرد عناصر بیگانه و بازگشت به خویشتن.^۱ این سیر را می‌توان در مواجهه ایران با استعمار نیز دید. چنانچه بعد از شکست ایران از روسیه، یکی از دیدگاه‌های مطرح شده برای جبران عقب‌ماندگی، بازگشت به خویشتن بود. در هر صورت گرچه هر کدام از این حالت‌ها به اشکال مختلف و در دوره‌های مختلف اتفاق افتاده است؛ اما هیچ‌گاه به اندازه دوران پهلوی دوم پررنگ نبوده است. در این دوره و با تحقق قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به رهبری امام گفتمان بازگشت به خویشتن مطرح شد. در واقع قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و تحولات پس از آن، آغازگاه اعتبارزدایی از گفتمان غرب‌گرای حاکم، در نتیجه گسترش اندیشه انتقادی نسبت به غرب و غرب‌گرایی از یک سو و تجدید حیات شیعه و به دست گرفتن رهبری نهضت مقابله با گفتمان مذکور از سوی دیگر بود. اما آنچه بیش از پیش به تکامل این روند و رویارویی در گفتمان غرب‌گرایی و بازگشت به خویشتن دامن زد، چیزی جز برنامه‌های نوسازی غرب‌گرایانه پهلوی که با به چالش کشیدن هویت‌های تجدید حیات یافته به آنها تعیین و تشخص بخشید، نبود.^۲ چالش هویتی که در نهایت خود را در قالب رشد تشیع سیاسی نشان داد. در واقع تشیع سیاسی پاسخی به برنامه‌های توسعه

غربگرایانه شاه قلمداد می‌شد. در این دوران که اسلام و تشیع سیاسی رشد می‌کرد، «چالش‌های جدید در اندیشه مسلمانان به ویژه نسل جوان تحصیل کرده ایرانی ایجاد شد... و تفسیر جدیدی از اسلام پیش روی مردم قرار گرفت. در این مقطع رهبری انقلاب تلاش نمود تا ضمن نفی همزمان استبداد و استعمار برای نخستین بار نظام سیاسی جدیدی را ارائه کند... ظهور امام در رأس هرم مبارزه با رژیم نه تنها موج جدید بازگشت به دین را که در میان اقشار تحصیل کرده نضج پیدا کرده بود در گستره وسیعی مطرح کرد، بلکه دگرگونی‌های اساسی در رابطه متقابل دین و سیاست به وجود آورد.»^۳

نقش برنامه‌های نوسازی شاه و شعار بازگشت به خویشتن

بازگشت به خویشتن همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، دلایل متعددی داشت. در میان عوامل موجود، غیبت اسلام در سیاست و حذف آن از عرصه‌های مختلف فرهنگی از جمله موضوعاتی بود که در این رابطه و نیز تعریف مجدد از هویت نقش بسزایی داشت. فرد هالیدی در این رابطه آورده است: «چیزی که به نحو شگفتی در ایدئولوژی رسمی غایب است، هرگونه تأکید قابل توجهی بر اسلام است جنبش ملی اواخر قرن نوزدهم صراحتاً محتوای اسلامی داشت و از جانب علماء رهبری می‌شد، اما در قرن بیستم گروه‌هایی که سیاست آشکار اسلامی داشته‌اند آن اهمیت را نیافته‌اند و هر دو شاه پهلوی با عرفی کردن کار آموزش و قضا با رهبران مذهبی درگیر شده‌اند.»^۴

به عبارتی نشانه گرفتن اسلام و مذهب از طرف حکومت پهلوی، نقش مهمی در نارضایتی مردم و چالش‌های هویتی در میان آنها داشت. از این رو و با توجه به فضای غالب آن دوره و نیز مبارزات امام با سیاست‌های حکومت پهلوی، می‌توان مهمترین شاخصه شعار بازگشت به خویشتن ایشان را اسلام اصیل دانست. در واقع امام خمینی بنیانگذار حکومت کفرستیز دینی شد و راهی نو و آثیوهای تازه مبتنی بر پایه‌ها و مایه‌های اصیل قرآن فرا روی انسان‌های آلعصیان زده، در بهشت بورژوازی جدید نهاد و از برکت این حکومت آدینی بود که آیین آسمانی قرآنی بار دیگر به منزله راه حلی نجاتبخش به آعرصه زندگی مسلمانان بازگشت و به همه اندیشمندان، راه رسیدن به آزادی، استقلال و پیروی از احکام اسلام ناب محمدی (ص) را بازآشناساند.^۵

در کنار این برنامه‌ها که بیشتر آنها با دستور مستقیم آمریکا صورت می‌گرفت و یا اقتباسی از سیاست‌های آنان بود، وابستگی شدید به غرب نیز نقش مهمی در پررنگ شدن موضوع بازگشت به خویشتن داشت. چنانچه در موضوع کاپیتولاسیون که با واکنش تند مردم و امام همراه بود، مردم هویت خود را از دست رفته دیدند و آن را به مثابه سلطه سیاسی غرب به خود قلمداد کردند. به همین دلیل هم امام در سخنرانی خود، تأکید خاصی بر خدشه‌دار شدن استقلال سیاسی کشور داشت.

سخن نهایی

بسیاری معتقدند امام متأثر از اندیشمندان اسلامی شعار بازگشت به خویشتن را مطرح کرد. گرچه ایشان نیز در طرح اندیشه‌های سیاسی از برخی اساتید و یا چهره‌های سیاسی مبارز متأثر بودند؛ سرآغاز طرح بازگشت به خویشتن را می‌توان همزمان با آغاز برنامه‌ها و اصلاحات اقتصادی و سیاسی شاه دانست که در قالب برنامه‌هایی چون انجمن ایالتی و ولایتی و بعد از آن انقلاب سفید مطرح شد. در واقع آنچه که ضرورت شعارهای هویت طلبانه را پررنگ کرد، نه نفس اصلاحات بلکه وابسته بودن آن به غرب بود. غربی که در گذشته سیاسی ایران چهره درخشانی نداشت و از نظر فرهنگی و سیاسی، بر ایران سیطره یافته بود.

فهرست منابع

۱. علی رضا سید کباری، علامه امینی، مصلح نستوه (شرح زندگی علامه امینی)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۷۸.
- رضا خلیلی تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه امام خمینی (ره)، از صورت بندی گفتمانی تا تحول انقلابی، فصلنامه مطالعات ملی؛ ۲۶، سال هفتم، شماره ۲، (۱۳۸۵) ص ۱۵.
- سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۶۱.
- فرد هالیدی، ایران، دیکتاتوری و توسعه، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران، انتشارات علم، ۱۳۵۸، ص ۵۷.
- فاطمه طباطبائی، بازگشت به خویش، ارمغان انقلاب اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷، ص ۳۷۱.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48682/خوبیشتن-بازگشت/48682>